

بررسی اعتیاد و سایر آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی در حوادث و بلایای طبیعی

امیر سلطانی نژاد^۱، محمدرضا انارکی^۲، مریم بلوردی^۳، ندا اسماعیل پور عسکری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

زندگی انسان همواره در طول تاریخ با دو بحران طبیعی و انسانی مواجه بوده است؛ در پیدایش بلایای طبیعی، برخلاف مسائل انسانی، دست بشر چندان در کار نیست و این حوادث هرازگاهی رخ می‌دهند و فاجعه‌های دل‌خراشی می‌آفرینند. از نظر غافل‌گیری و پیش‌بینی ناپذیری، زلزله جایگاه نخست را در میان تمامی بلایای طبیعی به خود اختصاص داده است. کشور ایران به دلیل قرار گرفتن روی کمربند زلزله، یکی از زلزله‌خیزترین مناطق دنیا است و به‌طور میانگین هفته‌ای یک‌بار زلزله‌ای بالای سه ریشتر را تجربه می‌کند. اگرچه زلزله در حیطه مباحث جامعه‌شناسی قرار ندارد؛ ولی بعد از وقوع، به‌سبب آثار اجتماعی گوناگونی که دارد به موضوعی جامعه‌شناختی تبدیل می‌شود. یکی از این آثار، انحراف‌ها و بزهکاری‌هایی است که بعد از زلزله رخ می‌دهد. باوجود این‌گونه آسیب‌ها، بیشتر به خسارات مالی و جسمانی آن پرداخته شده و پیامدهای اجتماعی آن کمتر مورد توجه بوده است. هدف مقاله حاضر، بررسی اعتیاد و سایر آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی در حوادث و بلایای طبیعی است که از طریق روش اسنادی به کمک اسناد و مدارک موجود به بررسی میزان اعتیاد، سرقت، شرارت و ناامنی در زلزله‌های اخیر ایران همچون زلزله بم، اهر، ایلام و بوشهر پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بعد از زلزله بم، به دلیل اعتقاد به آرامش‌دهندگی و مسکن‌بودن تریاک، هم‌به‌مصرف کنندگان جدید مواد افزوده شده و هم تعداد زیادی از مصرف‌کنندگان قدیمی، دوباره اقدام به مصرف مواد کرده بودند. مصرف هروئین بیشتر در افراد مهاجر گزارش شده و همچنین میزان سرقت، شرارت، ناامنی، خشونت و قتل در تمامی شهرهای زلزله‌خیز افزایش یافته است.

واژگان کلیدی: زلزله، بزهکاری، اعتیاد، سرقت، ناامنی

۱. نویسنده مسئول: دکترای جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان. پست الکترونیک: amirsoltan59@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۳. کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند

۴. کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند

مقدمه

فلات ایران سرزمینی است زلزله‌خیز که در یک‌صد سال گذشته به‌طور متوسط هر ۱۴ سال یک‌بار، زلزله‌ای به بزرگی ۷ ریشتر و بیشتر را به‌خود دیده است. کشور ایران به‌دلیل قرار گرفتن روی کمربند زلزله، یکی از زلزله‌خیزترین مناطق دنیا است و به‌طور میانگین هفته‌ای یک‌بار زلزله‌ای بالای سه ریشتر را تجربه می‌کند. نگاهی به آمار زلزله در ایران نشان می‌دهد که در صدسال اخیر حدود ۴۰ زلزله، به‌طور متوسط هر ۲/۵ سال یک زمین‌لرزه، به بزرگی ۶/۵ ریشتر رخ داده است. مناطقی چون تربت‌حیدریه، شیروان، لاریجان، رودبار گیلان، طبس، سیرج کرمان، بم، اهر و دشتی بوشهر، مهم‌ترین آن‌ها بودند که در این وقایع بیش از ۱۷۰ هزار نفر از ایرانیان جان خود را از دست دادند و بر این اساس، ایران در رده ۶ کشور زلزله‌خیز جهان قرار گرفته است (پیران، ۱۳۸۳). یکی از ابعاد مهم اجتماعی که در حوادث جمعی آسیب می‌بیند هنجارها و ارزش‌ها است؛ ارزش‌های اجتماعی، مفاهیم و ذهنیت‌هایی هستند که در یک جامعه مورد قبول و احترام قشر زیادی از مردم بوده و عموم به نقش و اهمیت آن ایمان دارند. این ارزش‌ها به‌گونه‌ای پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای طبیعی افراد جامعه هستند و تا زمانی که قادر به پاسخ‌گویی نیازها باشند دوام دارند؛ به‌محض این که ارزش‌های جمعی به دلایلی نتوانند نیازهای مشترک فردی را تأمین کنند، جامعه دچار نوعی بی‌هنجاری و بی‌نظمی می‌شود و به‌دنبال آن، آنومی و بی‌هنجاری افراد بزهکار، به‌سرعت همانند ویروس‌هایی، منطقه را ناامن کرده و آسیبی بزرگ‌تر از آسیب زلزله را به‌وجود می‌آورند که به‌دنبال این شرایط، انواع جرائم و انحراف‌های اجتماعی^۱ از جمله اعتیاد، دزدی و خشونت و بی‌بندوباری اخلاقی رخ خواهد داد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۱).

تاکنون پژوهش‌های متعددی در رابطه با بزهکاری پس از بلایا انجام شده که بیشتر آن‌ها بر سیگار و الکل متمرکز بوده و کمتر به سایر بزهکاری‌ها پرداخته شده است. نتایج این پژوهش‌ها بیشتر حاکی از آن هستند که تقاضا و مصرف مواد و نیاز به خدمات پس از

بلايا افزایش می‌یابند. لاهو^۱ (۲۰۰۲)، در مطالعه خود نشان داد که هرچه افراد به مرکز تخریب نزدیک‌تر باشند، افزایش مصرف مواد آن‌ها بالاتر خواهد بود؛ همچنین این گروه به این نتیجه رسیدند که افزایش مصرف مواد یک از مشکلات مهم بلافاصله بعد از بلايا و به دلیل تلاش برای تسکین آلام است (لاهو و همکاران، ۲۰۰۲). درن^۲ و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر انجام دادند، گزارش کردند که بعد از این واقعه، میزان مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی زیادتر شده است. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر این است که، باوجود این‌که مسئله جرم و مصادیق آن در تمامی زلزله‌های دنیا و ایران وجود داشته، ولی کمتر به این مسئله پرداخته شده است. در این راستا، بررسی و شناخت بزهکاری در حوادث طبیعی به خصوص زلزله، می‌تواند بیانگر پاسخ به مدیریت‌های جدیدی که در جهت نیل به یک انتظام سالم و عاری از تعارض‌های بلايایی چون زلزله گام برمی‌دارند باشد.

مبانی نظری

عوامل محیطی یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای انحرافی و بزهکاری است؛ در مورد تأثیر این عوامل، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. این نظریه‌ها حاکی از آن است که محیط در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و رفتار انسان که نشانه‌ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است مثلاً لاکاساگنی^۳ (۱۹۹۰)، محیط را مهم‌ترین و برترین عامل جرم‌زا معرفی کرده است.

روند رو به رشد و فزاینده شهرنشینی و جمعیت شهری، به‌عنوان عاملی برای خسارات زیاد به هنگام بروز بلايای طبیعی است؛ گسترش شبکه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شهری از یک‌طرف و رعایت‌نکردن ابتدایی‌ترین نکات ایمنی در ساخت‌وسازهای شهری از سوی دیگر، زمینه ایجاد خسارات زیاد در زمان وقوع زلزله را فراهم می‌سازد که این خسارت‌ها، براساس نظریه پنجره‌های شکسته، زمینه بروز جرم و انحراف‌ها را در مناطق

آسیب‌دیده مهیا می‌کنند. ویلسون^۱، دانشمند علوم سیاسی و کلینگ^۲، جرم‌شناس معتقدند، زمانی که پنجره‌های یک ساختمان شکسته و آن ساختمان تخریب می‌شود، افراد احساس می‌کنند که کسی در آن ساختمان وجود ندارد و به خیابان و مناطق اطراف آن رسیدگی نمی‌شود، در نتیجه قاچاقچی‌های مواد مخدر، دزدان و امثال آن‌ها به این خیابان‌ها جذب می‌شوند و فساد گسترش می‌یابد تا این که در این مناطق قتل‌هایی نیز صورت می‌گیرد. به این ترتیب، یک ناهنجاری کوچک، منجر به ناهنجاری‌های بزرگ‌تر و جرم‌های جدی می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۹). براساس این نظریه، با توجه به حجم زیاد مهاجران و کاهش کنترل اجتماعی در مناطق زلزله‌زده، رفتارهای ناهنجار خرد در اماکن عمومی زمینه بروز جرائم و انحراف‌هایی همچون قتل، سرقت و اعتیاد را در این مناطق افزایش می‌کند.

مارکس^۳، فیلسوفی که اصالت محیط اقتصادی را باور داشت، معتقد بود اگر بیشتر مردم تاکنون به نیروی شمشیر زندگی کرده‌اند، علت آن گزینه تجاوز نیست بلکه کیفیت محیط اجتماعی، آنان را به این کار وادار کرده است. بدین معنا که انسان‌ها اگر برای مقاصد خود بسیاری از ارزش‌ها را زیر پا می‌گذارند و به‌خاطر آن‌ها دست به هر کاری می‌زنند شرایط اجتماعی آن‌ها را به این سمت سوق داده و به آن‌ها آموخته یا آن‌ها را مجبور به این نوع رفتار کرده است (کوزر^۴، ۱۳۷۳).

سابرن^۵ جرم‌شناس معروف فرانسوی عقیده دارد که، زندگی انسان به‌طور مطلق و عام از تأثیر عامل اقتصادی برکنار نیست و کاملاً به میزان درآمد او وابسته است. او در عین حال که به دخالت عوامل دیگر نیز معتقد است و جرم و بزه را معلول و نتیجه ترکیب عوامل پیچیده اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌داند، ولی با این وجود، به اولویت تأثیر عوامل اقتصادی تأکید دارد.

دولارد^۶ (۱۹۹۸) نیز در کتاب جرم‌شناسی خود درباره اثرات فقر در رفتارهای ناهنجار و خشونت‌آمیز و جرائم به این مطلب می‌پردازد که انسان، به‌طور معمولی به‌علت کشمکش

1. Wilson
6. Dolard

2. Kelling

3. Marx

4. Kuzar

5. Sabrn

درونی که در اثر محرومیت در او ایجاد می شود، واکنش نشان می دهد. در واقع رفتار خشونت آمیز و ناهنجار، واکنشی است که انسان به دلیل محرومیت از خود بروز می دهد (دولارد، ۱۹۹۸، به نقل از رجیب پور، ۱۳۸۳).

آنومی در نظر دورکیم اشاره به بی سازمانی، گسستگی و ازهم گسیختگی اجتماعی، اختلال و اغتشاش در نظام جمعی دارد؛ وقتی اجماعی بر سر پذیرش هنجارهای اجتماعی و اهداف و انتظارات جامعه نباشد، بی هنجاری یا آنومی شکل می گیرد. وی علت افزایش بزهکاری را سه عامل تراکم جمعیت، تفکیک نشدن ساکنان شهر و نداشتن هویت شهر و شهروندی می داند که این سه مورد در زلزله وجود دارند؛ با توجه به بحث آنومی دورکیم می توان چنین بیان کرد که آنچه دورکیم در ارتباط با آنومی و رفتار انحرافی مطرح کرده است، شامل انحراف یا کج رفتاری در زلزله هم می شود (مساواتی، ۱۳۸۳). از آنجا که در حوادث طبیعی به خصوص زلزله، جامعه با شرایطی همچون موقعیت های نامناسب اقتصادی - اجتماعی از قبیل جیره بندی مواد غذایی، بی ثباتی آمرانه قیمت ها و بازار سیاه برخی کالاهای ضروری، مواجه می شود، بحران اقتصادی، فقر و بیکاری افزایش می یابد که این امر سبب می شود افراد یک جامعه به خصوص جوانان، ارزش ها و هنجارهای یک جامعه را زیر پا بگذارند. با توجه به این که بعد از زلزله، کودکان زیادی بی سرپرست و بی خانمان می شوند و جوانان زیادی شغل خود را از دست می دهند، پیدا کردن شغلی که درآمد مطمئن را ایجاد کند و تأمین کننده آینده باشد، کار بسیار دشواری است. در این گونه جوامع، افراد برای فرار از بیکاری و تأمین اقتصاد زندگی، به انجام هر کاری تن در می دهند. امکان دارد از کارهایی که پیدا کرده اند رضایت نداشته و نارضایتی از کار، کیفیت کار را پایین می آورد. در نتیجه فردی خواهد شد که تقریباً رفتار نامتعادلی دارد و بدتر از همه این که در این گونه کارها تأمین هم وجود نداشته باشد که این مشکل موجب می شود افراد برای تأمین معاش زندگی، دست به جرائمی از قبیل سرقت، کلاهبرداری، قتل و... بزنند.

(آقا بخشی، ۱۳۸۲). بنابراین براساس این نظریه، در هنگام وقوع زلزله، آنومی یا بی‌هنجاری اجتماعی افزایش می‌یابد و هنجارها و قواعد رفتار در جامعه دچار ستیز و ازهم‌گسیختگی می‌شوند.

اگنیو^۱ معتقد است، سه منشأ کلی فشار وجود دارد که باعث انحراف می‌شود: نداشتن موفقیت در دست‌یابی به اهداف باارزش از نظر اجتماعی، حذف وقایع باارزش از نظر اجتماعی، مثلاً از دست دادن نزدیکان و تجربه وقایع منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی که شامل تجربیاتی مانند قربانی شدن در یک واقعه جنایی و تنبیه‌های لفظی یا جسمانی. از آنجا که اگنیو منشأ کلی فشار را در نداشتن موفقیت در دست‌یابی به اهداف و وقوع حوادث بزرگ و تأثیرگذار از نظر اجتماعی می‌داند، می‌توان نتیجه گرفت که وقوع حوادث بزرگ و تأثیرگذار در زندگی مثل از دست دادن پدر و مادر و اعضای خانواده می‌تواند منبع فشاری باشد که فرد را به سمت کارهای خلاف سوق دهد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

با توجه به موضوع و اهداف، روش این تحقیق کیفی است. در این پژوهش برای سنجش میزان اعتیاد در شهر بم بعد از زلزله، علاوه بر مصاحبه، به کمک اسناد و مدارک موجود در این زمینه، به بررسی میزان اعتیاد بعد از حادثه پرداخته شده است. روش انتخاب نمونه‌ها از طریق روش‌های فرصت‌طلبانه، اتنوگرافیک^۲ و ارجاع هم‌تایان^۳ بود. از آنجا که این مطالعه به صورت کیفی انجام شد، انتخاب تصادفی نمونه‌ها مورد نظر نبوده است و تلاش شد از گروه‌های مختلف مردم، مصرف‌کنندگان مواد و افراد کلیدی جهت نمایانگر بودن آن‌ها استفاده شود. همچنین انحراف‌های اجتماعی دیگر مانند قتل و سرقت به کمک آمار و اسناد مربوط به زلزله‌های بم، اهر آذربایجان و ایلام مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

اعتیاد

اعتیاد بلایی است که تمامی جوامع با آن دست و پنجه نرم می کنند؛ ولی این بلا بعد از حوادث طبیعی، آسیب پذیری ناشی از این حوادث را دوچندان می کند. اعتیاد پس از زلزله، با توجه به اقلیم منطقه، ممکن است، دامن گیر طیف های گوناگونی شود. یکی از گروه ها که در حوادث طبیعی دچار این بلای خانمان سوز می شوند، جوانان هستند. یک جوان بحران زده، بنا به چهار دلیل بعد از زلزله ممکن است به سمت مواد مخدر گرایش پیدا کند:

الف. جوانان به علت اطلاع نداشتن از عواقب خطرناک مصرف مواد مخدر، آن ها را وسیله نجات خود از مشکلات دانسته و آگاهانه یا ناآگاهانه برای فراموش کردن اتفاق های ناگوار، دشواری ها و فشارهای ناشی از زلزله، به آن پناه می برند؛

- ب. گروهی از جوانان پس از زلزله مواد مخدر را برای معالجه و تسکین دردهای جسمی و روحی استفاده می کنند و به تدریج معتاد می شوند؛
- ج. تخریب مراکز ورزشی و تفریحی بر اثر زلزله که گذران اوقات فراغت جوانان را با مشکل مواجه می سازد؛
- د. متلاشی شدن کانون گرم خانواده ها که سبب بروز مشکلات عاطفی، اقتصادی و روانی می شود (شامبیاتی، ۱۳۷۲).

به این ترتیب به هر نحوی که به این قضیه نگریسته شود، پس از زلزله شرایط برای بروز هر چهار مورد بالا مساعد می شود. همچنین بعد از زلزله، علاوه بر سوءاستفاده سودجویان و ساده تر شدن دسترسی به مواد مخدر، عوامل دیگری نیز مانند پایین آمدن سطح بهداشت، در دسترس نبودن حداقل امکانات درمانی، فقر و بیکاری، همگی در افزایش اعتیاد و گرایش جمعی بافت های آسیب دیده تر و به خصوص جوانان نقش دارند.

نیروی انتظامی بم، تنها از ابتدای وقوع زلزله تا اواسط تابستان هشتاد و سه توانسته است بیش

از پنج تن مواد مخدر در این شهر کشف کند. همچنین در طی دو روز ۲۰ و ۲۱ مردادماه ۸۳، هفتصد کیلوگرم تریاک از باندهای قاچاق کشف و ضبط کرده است. وفور مواد مخدر همچنین باعث کاهش قیمت این ماده افیونی شده است. به گفته فرماندهی انتظامی بم قیمت مواد مخدر در سال ۸۳ نسبت به سال ۸۲ نزدیک به پنجاه درصد کاهش یافته است. به عنوان مثال قیمت هر کیلوگرم تریاک در بم قبل از زلزله ششصد هزار تومان بوده است که این رقم به دوپست و پنجاه تا سیصد هزار تومان رسیده است. نتایج مطالعه حاکی از این است که هم به مصرف کنندگان جدید مواد افزوده شده و هم تعداد زیادی از مصرف کنندگان قدیمی، دوباره اقدام به استفاده از مصرف مواد کرده بودند. از بین مواد، مصرف تریاک از همه بیشتر بوده است و مصرف هروئین بیشتر در افراد مهاجر گزارش شده است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۲).

نتایج این تحقیق حاکی از گسترش اعتیاد در سنین پایین تر و در زنان است. به طور متوسط ۵ تا ۱۵ درصد از مراجعان معتاد مراکز درمانی بم را افراد زیر ۲۰ سال و ۱۰ تا ۲۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند؛ درحالی که در گزارش‌های کشوری این اعداد به ترتیب کمتر از ۵ و ۱۰ درصد بوده است. همچنین میزان مصرف کنندگان هروئین در میان مراجعان به مراکز درمانی بم، ۵ تا ۱۵ درصد تخمین زده شد، درحالی که این رقم در سطح کشور بالاتر از ۱۵ درصد گزارش می‌شود. همچنین با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، جامعه بم نگرش مثبتی نسبت به تریاک دارند.

۹۰ درصد مصاحبه‌شوندگان مصرف مواد را تسکین‌دهنده‌ای برای آلام و دردهای خود می‌دانند؛ یکی از مصاحبه‌کنندگان اظهار می‌کند در زلزله یک دختر و یک پسر خود را از دست داده است؛ ۱۰ سال در این شهر سرکارگر ساختمانی بوده و همسر وی فردی خانه‌دار و از یک خانواده‌ی فرهنگی است. شغل، همسر مناسب، منزل مسکونی و اتومبیل وی نیز مناسب بوده است. به گفته خود او قبل از زلزله، زندگی راحت، بی‌دغدغه و رضایت‌بخشی داشته است. وی در هنگام وقوع زلزله در منزل نبوده و به طرف محل کار

در حرکت بوده است. خود او آسیب چندانی از زلزله ندیده است اما پسر یک ساله و دختر سه ساله اش در زلزله جان می سپارند. پس از زلزله به شدت دچار بحران های روحی شده و به اظهار خودش پس از زلزله شش مرتبه تصادف کرده است و از فرط ناراحتی روزی سه مرتبه مواد مخدر برای فراموشی خاطرات گذشته و التیام دردها مصرف می کند.

فاطمه ۲۱ ساله است و مدت ۳ سال است که مواد مصرف می کند. او می گوید خانواده ام را از دست دادم. پدر، خواهر و برادرم فوت کردند و مادرم فلج شد. از آن به بعد مشکل روحی پیدا کردم؛ اول مواد را برای آرام شدن می کشیدم؛ بعد کم کم معتاد شدم (سلطانی نژاد، ۱۳۹۲). به طور خلاصه می توان گفت افسردگی و حزن و اندوه ناشی از فوت عزیزان، مشکلات متعدد برآمده از ویرانی خانه ها، خانه به دوشی و مرارت های زندگی در اردوگاه ها، چادرنشینی و آوارگی سبب شده است که برخی از بلازدگان دیار فاجعه برای تسکین آلام توان فرسای روحی خود به دام اعتیاد گرفتار شوند. مجموعه این مسائل سبب از بین رفتن قبح اعتیاد در میان برخی از خانواده های پایبند به اصول اخلاقی شده است. ۹۱

قبح اعتیاد حتی در میان برخی از زنان زلزله زده از بین رفته است و برخی از زنان که همه عزیزانشان جان باخته اند برای خلاصی از شر آسیب های روحی زلزله، به اعتیاد پناه می برند.

سرقت^۱

فقر و محرومیت مادی یکی از مهم ترین عوامل به وجود آورنده سرقت است. فردی که دچار این آسیب اجتماعی است از یک سو از لحاظ روانی احساس حقارت و مغبون بودن می کند و از جامعه طلبکار می شود و از سوی دیگر چون جامعه را مسئول محرومیت و فقر خود می پندارد، نوعی احساس انتقام کشی در او پرورش می یابد. به این ترتیب، کوشش او برای فقرزدایی گاهی اوقات در مجاری غیرقانونی و ضداجتماعی افتاده و به سرقت، یا جنایت کشیده می شود. از آنجا که زلزله لطمه های شدیدی به اقتصاد یک کشور وارد

می‌کند؛ از یک طرف حل بحران‌های مختلف و مشکلات یکایک مردم زلزله‌زده، ترمیم واحدهای تجاری، صنعتی، اداری و به‌طور کلی عمران و آبادانی و رسیدگی به منطقه، هزینه‌های هنگفتی را به‌دنبال خواهد داشت و از طرف دیگر، افزایش مشکلات اقتصادی و فقر در خود منطقه بحران‌زده در درازمدت، یکی از مشکل‌سازترین بحران‌ها خواهد شد. این مسئله باعث ایجاد طیف گسترده‌ای از بزهکاری‌ها و آسیب‌ها می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت مشکلات اقتصادی یکی از عوامل هموارکننده گسترش سرقت است در حالی که بروز خود آن، معلول عواقب و تبعات طبیعی زلزله است. پس از زلزله‌های شدید و عمومی، انباشت‌های اقتصادی و سرمایه‌های مردم شامل واحدهای مسکونی، تجاری و صنعتی آسیب می‌بینند. این مشکل در شبکه اقتصادی یک شهر یا روستا و ایجاد نارسایی‌ها و محرومیت‌ها، کاهش سطح درآمد مردم و افزایش بیکاری، سبب بالارفتن میزان سرقت در آن جامعه می‌شود.

بعد از زلزله بم، متواری شدن یک‌هزار و سیصد زندانی، تأثیر زیادی در افزایش شرارت و ناامنی در این منطقه داشته است. به گفته فرمانده وقت نیروی انتظامی بم، ۳۰۰ نفر از این تعداد را سارقان مسلح تشکیل می‌دادند. به گزارش خبرگزاری ایرنا مطابق یک آمار غیررسمی نیز، میزان بازداشتی‌های نیروی انتظامی پس از زلزله رشد چشم‌گیری داشته است. در مصاحبه ای که بعمل آمد، مشکلات امنیتی، مردم این منطقه را با شرایط حادثی روبه‌رو ساخته است؛ در مدتی که مردم هنوز در چادر زندگی می‌کردند اگر چادری در شهر برای چند دقیقه خالی می‌ماند به دلیل نبود حصار در اطراف خانه‌ها توسط سارقان غارت می‌شد. همچنین در زلزله آبدانان در استان ایلام، مأموران انتظامی موفق به شناسایی دو سارق شدند که با پوشیدن لباس امدادگران جمعیت هلال‌احمر از زلزله‌زدگان این شهرستان کلاهبرداری و سرقت می‌کردند.

به گزارش خبرگزاری پانا، در این زلزله دو نفر از اهالی یک روستای مجاور زلزله‌زده به منظور دزدی از گوسفندان، به بهانه کمک، هندوانه بار کرده و در موقع برگشت

گوسفندها را جایگزین هندوانه کردند و توسط مأموران امنیتی دستگیر شدند. جانشین فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی از دستگیری بیش از ۲۰ نفر در مناطق زلزله‌زده خبر داد که مقاصد شوم خود را دنبال می‌کردند. وی با اشاره به دستگیری یک گروه ۲۰ نفره در مناطق زلزله‌زده افزود: در این گروه افرادی بودند که به تبلیغ وهابیت می‌پرداختند و حتی دو نفر زندانی فراری که محکومیت طولانی هم داشتند در لباس امدادگر دستگیر شدند.

ایشان با بیان این که طبیعی است پلیس با افرادی که در این شرایط به تبلیغ وهابیت یا شایعه‌پراکنی می‌پردازند برخورد می‌کند، گفت: ولی ما امدادگر دستگیر نکردیم بلکه افرادی را دستگیر کردیم که برای رسیدن به هدفشان لباس امدادگر پوشیده بودند.

گسترش خشونت و ناامنی^۱

پس از هر زلزله‌ای، به دلیل وجود عوامل مختلف و ایجاد شرایط بحرانی، زمینه مساعدی برای اقدام‌های خلاف کارانه و شرارت‌های مختلف فراهم می‌شود. همچنین افزایش ناامنی منطقه که بخشی از آن ریشه در ویرانی خانه و سرپناه‌های مردم و بخشی ریشه در همین فعالیت‌های پراکنده شرارت‌آمیز دارد نیز عامل مهمی در نامطلوب‌تر ساختن شرایط است. خشونت یکی از بارزترین ویژگی‌های افرادی است که دچار بحران‌های شدید شده‌اند؛ از نظر اجتماعی، پس از زلزله، آثار خشونت در جامعه مانند قتل، مشاجره و نزاع، بنا به دلایلی مانند محرومیت‌های بیش از حد اقتصادی و فقر، مصرف افراطی مشروبات الکلی و دفاع از حیثیت و ناموس، بیشتر می‌شود. به گزارش خبرگزاری فارس، از ابتدای سال ۸۳ تا اواسط مردادماه، ۲۵ فقره قتل در بزم رخ داده است که این امر موجب نگرانی شدید مردم بزم نیز شده است. معاون اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی استان کرمان نیز در این باره گفت: این قتل‌ها به دلیل خرید و فروش مواد مخدر و سرقت‌های مسلحانه است.

نتیجه‌گیری

هرساله هزاران انسان بر اثر وقوع زلزله در جهان، جان خود را از دست می‌دهند. این پدیده طبیعی، از یک طرف باعث از هم گسیختگی و تضعیف بنیاد خانواده‌ها و بی‌سرپرست شدن هزاران کودک و زن می‌شود و از طرف دیگر منجر به گسترش جرائمی مانند سرقت، بیکاری، فقر، فحشا و قتل در مناطق آسیب‌دیده شده است. بر این اساس، جرائم و بزهکاری‌های ناشی از بحران‌های طبیعی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول انحراف‌ها، به دلیل بی‌سازمانی شخصیتی، تضعیف قیود خانوادگی، نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی افراد است و دسته دوم انحراف‌ها، به دلیل کاهش کنترل‌های اجتماعی و تضعیف نهادهای حمایتی جامعه است. با توجه به این دو دسته از انحراف‌های مطرح‌شده در زلزله‌های اخیر ایران، کمک‌رسانی بهانه‌ای برای تعدادی از افراد سودجو بود که با زیر پا گذاشتن هنجارهای رفتاری جامعه، به اعمال غیرقانونی و غیرعقلانی دست بزنند و موجب سلب آسایش و امنیت آسیب‌دیدگان شوند. همچنین نتایج این تحقیق بیانگر گسترش اعتیاد در بین زنان آسیب‌دیده است؛ اعتیاد قبل از زلزله، تنها بین قشری از اهالی شهرستان بم رواج داشت و زنان بم جای چندان مهمی در دایره اعتیاد این شهر نداشتند، اما پس از وقوع زلزله، قدم برخی از آن‌ها به این دایره تباہ‌کننده باز شد و این دسته از بانوان برای نجات خود از غرق‌شدن در دریای غمناکِ فقدان عزیزانشان، خود را به گرداب اعتیاد انداختند.

پیشنهاد می‌شود پس از وقوع سوانح و بحران‌های طبیعی، میزان جرم و ناامنی در مناطق مشمول بحران، به شدت افزایش می‌یابد، جستجوی راهکارها و شیوه‌هایی که بتواند از میزان بحران‌ها و آثار منفی آن بکاهد، از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در فرآیند مدیریت بحران اهمیت دارد. به‌طور کلی با توجه به پیامدها و عواقبی که بحران‌های طبیعی از طریق تضعیف قیود خانوادگی، تضعیف نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی افراد، ایجاد آشوب در جامعه و افزایش شرارت و ناامنی و... بر جامعه تحمیل می‌کنند، موارد زیر را می‌توان

به عنوان راه حل های جامعی برای پیشگیری از ارتکاب جرم و بزهکاری، پس از بلایای طبیعی در نظر گرفت.

با بررسی دقیق جرائم و آسیب های اجتماعی و بزهکاری افراد پس از زلزله بم و ترسیم آن برای افراد جامعه و با توجه به رویکرد کج رفتاری، می توان دریافت که راه حل صحیح، جامعه پذیری مجدد در افراد است. از این رو می توان با انجام جامعه پذیری مجدد، آسیب های اجتماعی و بزهکاری پس از زلزله را تا حدود قابل توجهی کاهش داد؛ رفع مشکلات اقتصادی افراد زلزله زده از طریق ایجاد اشتغال برای آنها، تأمین محیط و مسکن مناسب برای افراد بحران زده؛ برقراری امنیت مضاعف در مناطق بحران زده تا بازگشت به شرایط عادی و کنترل ورود افراد غیر بومی به محل آسیب دیده؛ تأمین آموزش و پرورش مناسب به ویژه برای کودکان و نوجوانان بازمانده و تنظیم کیفی و مجازات مضاعف برای مجرمان مرتکب جرم در مناطق بحران زده.

منابع

- آقابخشی، حبیب (۱۳۸۲). منشور مددکاری اجتماعی برای بلایای طبیعی؛ با نگاهی به زلزله بم، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۳ (۷)، ۱۴۴-۱۳۳.
- پیران، پرویز (۱۳۸۳). جامعه شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۳ (۱۱)، ۴۸-۱۳.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۳). در آمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم، *فصلنامه دانش انتظامی*، ۶ (۲)، ۳۰-۱۶.
- سلطانی نژاد، امیر (۱۳۹۱). پیامدهای جامعه شناختی زلزله؛ مطالعه موردی زلزله بم، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۹ (۳۵)، ۱۴۵-۱۲۳.
- سلطانی نژاد، امیر (۱۳۹۲). تحلیل جامعه شناختی زلزله بم، *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران*، ۲ (۷)، ۱۳۸-۱۲۱.
- شامیاتی، هوشنگ (۱۳۷۲). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، موسسه انتشاراتی ویستا.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). *نظریه های جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۸۳). *آسیب شناسی اجتماعی ایران*، انتشارات فروزش.

– هاشمی، سیدمناف (۱۳۸۹). درآمدی بر چرخه مدیریت بحران در نواحی شهری با تأکید بر مرحله

پیشگیری و آمادگی در برابر بحران، *نشریه پیام ایمنی*، ۵ (۱۲)، ۷۶-۸۹.

- Alexander Lacassagne. H (2003). patent of social relief for natural calamities, *social welfare chapter*, 38 (9), 213-229.
- Deren, T (2002). sociology of population disasters and the role of management the crisis arise of accident, *journal of social study*, 25, 198-212.
- Lahoy, R (2002). surveys in social pathology in disaster, *journal of crisis management*, 33 (7), 134-146.